

بررسی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به موقعیت اجتماعی
فرزندان در خانواده‌های چندهمسر

The Study on Attitude of Tehranian Citizens about Children
Social Situation in Polygamous Families

F. Nazerzadeh Kermani, Ph.D. ✉

فرناز ناظرزاده کرمانی ✉

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء

N. Mohamadi, M. A.

نعیما محمدی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

J. Ebrahimi Kheirabadi, M. A.

جواد ابراهیمی خیرآبادی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده:

Abstract

In this Research for Examining the social Situation of children in polygamous Families, the Quantity of Social Capital of children in such Kind of Family Structure has been Measured.

For studying this Question the Survey Method and Questioner Tool were used. The Sample is composed of 400 The-ranian Citizens in Three Parts (3th, 6th and 11th).

در تحقیق حاضر جهت سنجش موقعیت اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندزنی به اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی فرزندان در این ساختار خانوادگی پرداخته شده است. برای بررسی مسئله تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شد. حجم نمونه شامل ۴۰۰ شهروند تهرانی در سه منطقه ۳، ۶ و ۱۱ می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که افراد جامعه نسبت به فرزندانی که در خانواده‌های چندهمسری جامعه‌پذیر شده‌اند نگرش منفی دارند.

✉Corresponding author: Dept. of Sociology, Al-Zahra University, Tehran, Iran
Tel: +9821-88044051-8
Fax: +9821-88035187
Email: nazer14@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - ده ونک - دانشگاه الزهرا - دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد - گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۴۴۰۵۱-۸ - دوزنما: ۰۲۱-۸۸۰۳۵۱۸۷-۸
پست الکترونیک: email: nazer14@yahoo.com

Results of research shows that people of the society have a negative view on children who are living in polygamous families.

Base on Peirre Bourdieu theory, Social Capital consists of 4 indices: normality, security, mutual trust and participation. All of these indices have been evaluated in very low level. According to this research, people prefer to keep much distances in their social interaction with children of polygamous families.

Keywords: Family Structure, Polygamy, Social Capital.

از این رو هنجارمندی، احساس امنیت، اعتماد و مشارکت متقابل که شاخص‌های مطرح شده در تئوری پیر بوردیو جهت سنجش مؤلفه سرمایه اجتماعی است در این گروه بسیار پایین ارزیابی شد. بنابراین افراد جامعه تمایل دارند فاصله زیادی را در مناسبات اجتماعی خود با آنان حفظ کنند.

کلیدواژه‌ها: ساختار خانواده، چندزنی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی شده است و در هر دوره متناسب با شرایط حقوقی، اقتصادی و اجتماعی با مسائل تازه‌ای در محیط زندگی برخورد نموده است. دگرگونی ارزش‌ها، عرف و عادات خانوادگی و شیوه‌های مختلف ازدواج از این دسته‌اند (مهدوی، ۱۳۸۲؛ ۲۹). به این معنا که اعضای خانواده در دوران مختلف تاریخی به منظور بهره‌مندی از خدمات اجتماعی نیازمند انطباق الگوهای رفتاری خود با نظام ارزشی رایج در جامعه می‌باشند (روزن‌باوم، ۱۳۶۷). بنابراین نگرش عمومی اعضای جامعه نسبت به ساختار خانواده، همواره تنظیم‌کننده میزان فاصله اجتماعی است که در کنش و واکنش میان افراد جامعه ایجاد می‌شود. از این‌رو جامعه‌شناسان تأکید زیادی بر انطباق و سازگاری میان ساختار خانواده و نهادهای اجتماعی دیگر دارند. در جوامع مدرن امروزی، رایج‌ترین تعریف از خانواده نظامی است متشکل از یک زن و مرد که از طریق ازدواج صاحب فرزند یا فرزندان می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۳) و مهم‌ترین کارکرد آن جامعه‌پذیری و نگهداری از فرزندان می‌باشد. زمانی که ساختار خانواده مورد پذیرش اعضای جامعه نباشد و یا به شکل معناداری در تعارض با دیگر ساختارهای اجتماعی - اقتصادی قرار گیرد؛ شرایط آنومی و بی‌هنجاری فرد و نظام اجتماعی را

تا اندازه زیادی دچار اختلال می‌نماید (سیف، ۱۳۶۸). اگرچه در دوران گذشته ساختار چندزنی میان ایلات و عشایر ایران مرسوم بود، اما با پیدایش جامعه جدید امروزی تغییرات ساختاری در حوزه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی - معیشتی نیاز به نیروی انسانی که در گذشته از اهمیت تولیدی برخوردار بود، را از بین برده است (فرید، ۱۳۸۳؛ ۲۷۱). به طوری که در حال حاضر جامعه‌شناسان، مردم‌نگاران و روان‌شناسان، خانواده چندهمسری را در هیچ جامعه‌ای در شرایط عادی توصیه نمی‌کنند. گروهی از این صاحب‌نظران در شرایط اضطرار اجتماعی - شرایطی که در نتیجه وقوع جنگ یا عوامل مشابه، توازن جنسیتی جامعه را بهم می‌زند - به دلیل نفع شخصی و اجتماعی ساختار چندزنی را مورد تأیید قرار داده‌اند. جرج مرداک^۱ از جمله این صاحب‌نظران است که به بررسی خانواده‌های چندهمسری در جوامع مختلف جهان پرداخته است. او پس از مطالعه ۲۵۰ جامعه، به تئوری عمومیت «خانواده هسته‌ای» اذعان می‌دارد و آن را الگویی جهان‌شمول و عام معرفی می‌کند. که با پیش رفتن جوامع به سمت تمدن کارکردهای بیشتری نزد افراد پیدا کرده است (برنالد، ۱۳۸۴؛ ۲۷). اگرچه چندزنی در قرون گذشته میان ۸۰٪ جوامع مرسوم بوده اما امروزه با تغییرات به وجود آمده در جهان بسیار محدود شده است (گوده، ۱۳۵۲؛ ۱۳۵).

مطالعات انجام گرفته توسط روان‌شناسان خانواده نیز نشان می‌دهد سلامت روانی کودکان در خانواده‌های چندزن بسیار پایین‌تر از کودکان در خانواده‌های تک‌همسر می‌باشد. زیرا در خانواده‌های چندزن، رقابت و کشمکش بر سر منابع ارزشمند و مشترک، بسیار بالا است و به همین دلیل مسائل مربوط به کودکان در این خانواده‌ها اغلب به حاشیه رانده می‌شود (ابوسعد و البدور، ۲۰۰۲).^۲ کودکان در مقایسه با والدین تأثیرات کمتری در تعاملات خانواده دارند و از این جهت در معرض آسیب‌های بیشتری هستند (موسوی و دیگران، ۱۳۸۴). به طور کلی خانواده هم از بعد جامعه‌شناختی و هم از حیث روانی در تکوین شخصیت و تعریف بخش عمده‌ای از هویت اجتماعی کودک نقش عمده‌ای دارد؛ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای هم‌چون ایران که اصناف و احزاب نقش ضعیفی در حمایت از فرد و گروه‌های اجتماعی بازی می‌کنند.

براساس آنچه مطرح شد هدف این مطالعه پاسخگویی به این پرسش است که آیا در شرایط کنونی، تنظیم لایحه‌ای از سوی دولت و قوه قضائیه به مجلس هشتم مبنی بر حمایت از ساختار چندزنی قادر به تحکیم بنیان‌های خانواده می‌باشد؟ در واقع در مطالعه حاضر با تأکید بر رویکرد جامعه‌شناسی حقوقی به سنجش نگرش اعضای جامعه نسبت به موقعیت اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندزن پرداخته شده است.

تحلیل نظری: نتایج بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که انگاره خانواده هسته‌ای در سال‌های اخیر بسیار قدرتمندتر از سایر الگوهای خانوادگی عمل کرده است. از این‌رو خانواده، هم به لحاظ تعاملات درونی و هم از حیث شبکه ارتباطی با دیگر سیستم‌های اجتماعی در ارتباط متقابل قرار

دارد (شریفی و دیگران، ۱۳۸۴؛ ۲۵۷). در واقع از آن جا که خانواده هم‌چون دیگر نهادهای اجتماعی که گروهی از افراد جامعه را در کنش متقابل با یکدیگر قرار می‌دهد، همواره در معرض یک نوع نظارت و کنترل نامرئی است. شاید همین تعامل متعارف و پیش‌بینی شده میان افراد، عامل پویایی نظام‌های اجتماعی محسوب می‌شود. امروز سرمایه اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌ای پویا، قابل کسب و مهم شناخته شده است. اهمیت بهره‌مندی فرد از این سرمایه از آن حیث است که بخش عظیمی از هویت فرد و موقعیت اجتماعی او در جامعه برحسب میزان برخورداری از این سرمایه تعریف می‌شود. از این جهت جامعه‌شناسان از آن به‌عنوان یک سرمایه جدید در کنار انواع سرمایه‌هایی هم‌چون ثروت که در زمره سرمایه‌های اقتصادی می‌گنجد، یاد می‌کنند (فوکویاما، ۱۹۹۹). اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی، مردم را به همکاری و اعتمادپذیری بیشتری در برخورد‌های‌شان تشویق می‌کنند و از شرایط انفرادی بیرون می‌آورند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴؛ ۹). در خصوص تعریف سرمایه اجتماعی نظریه‌پردازان مختلف دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند: فرانسویس فوکویاما^۳ سرمایه اجتماعی را به‌عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹؛ ۱۷۲). از نظر جیمز کلمن^۴ سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می‌شود این دارایی شیء واحدی نیست بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند. هم‌چنین سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی ارزشمند در اختیار اعضاء جامعه قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست یابند (کلمن، ۱۹۸۸). او سرمایه اجتماعی را شامل یک چارچوب اجتماعی می‌داند که موجب تسهیل روابط میان افراد درون یک چارچوب مشخص می‌گردد. به‌گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به یک هدف معین هزینه بیشتری را به افراد آن جامعه تحمیل کند (کلمن، ۱۳۷۷؛ ۵۵ - ۵۴). بن پیرات (۱۹۸۰) متأثر از او در تعریف سرمایه اجتماعی روابط بین افراد یک خانواده، گروهی از دوستان یا شرکای یک شرکت را به صورت رابطه تعریف می‌کند و به بررسی اثرات افزایش سرمایه اجتماعی در میزان پذیرفته شدن فرد در جامعه می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که زمینه پذیرش فرد را به‌عنوان عضوی از جامعه فراهم می‌کند تصور دیگران نسبت به فرد می‌باشد. در این رابطه هر قدر میزان اعتماد افراد جامعه نسبت به گروهی بیشتر باشد امکان مشارکت و تعامل متقابل میان آن‌ها بیشتر خواهد بود به این ترتیب فاصله اجتماعی میان آن‌ها کاهش می‌یابد. فوکویاما هم یکی از منابع اصلی برای تولید سرمایه اجتماعی در سطح جهانی را خانواده معرفی می‌کند. او معتقد است خانواده‌هایی که منطبق با الگوی غالب جامعه عمل می‌کنند در تولید و انتقال سرمایه اجتماعی به فرزندان خود موفق‌ترند (پوتنام، Putnam ۱۹۹۵). در واقع میل به گمنام ماندن و پنهان‌کاری در میان گروه‌های کمتر پذیرفته شده از

سوی دیگران بیشتر است. از مهم‌ترین عوامل کاهش‌دهنده مشارکت در شبکه‌های ارتباطی میان افراد کمبود اعتماد متقابل و هم‌نواپی با ارزش‌های جامعه است؛ که هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده به نوعی سرمایه اجتماعی را متأثر می‌سازند (شارع‌پور، ۱۳۸۰؛ ۴۹). با این تعاریف، خانواده‌هایی که دارای ویژگی‌های خاصی هستند - نظیر خانواده‌های زن سرپرست، چندهمسر، طلاق، فرزندخوانده و... - از سوی افراد جامعه طرد و یا کمتر پذیرفته می‌شوند. بنابراین فرصت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را در مقایسه با گروه‌های دیگر از دست می‌دهند و خیلی زود به حاشیه رانده می‌شوند (مقدس جعفری و محمدی، ۱۳۸۵).

بورديو از ديگر نظريه‌پردازان اين حوزه معتقد است سرمايه اجتماعي مانند ديگر اشكال سرمايه، مولد است، يعني تحقق اهداف معيني را كه در نبودش محقق نمي‌شوند، امكان‌پذير مي‌گرداند. سرمايه اجتماعي مانند سرمايه فزيكي و انساني كاملاً قابل جابه‌جايي يا جانشيني نيست بلكه ممكن است مختص فعاليت‌هاي معيني باشد. همان‌طور كه سرمايه فزيكي و انساني فعاليت مولد را تسهيل مي‌كند، سرمايه اجتماعي هم‌چنين كاركردي دارد. براي مثال گروه‌ي كه در ميان اعضاي آن وفاداري و اعتماد شديد وجود دارد، مي‌تواند كارهاي بسيار بزرگ‌تر را در مقايسه با گروه ديگري كه در ميان‌شان اعتماد و وفاداري وجود ندارد، انجام دهند. (كلمن، ۱۳۸۴؛ ۵۵). او به اهميت نظام خانواده در تقويت و افزايش سرمايه اجتماعي اشاره مي‌كند. به همين منظور در كتابي تحت عنوان «نظريه كنش» زيرساخت خانواده به‌عنوان مقوله‌اي فكري، مبنا و اساس هزاران بازنمود و كنش متقابل اجتماعي معرفي مي‌شود. اين حلقه، همان بازتوليد نظم اجتماعي است كه ساختار خانواده را در رسته يك امر طبيعي و عام قرار مي‌دهد. در خانواده عادت‌واره‌ها به‌عنوان الگوي اجتماعي مبنايي بر ساخته شدن دنياي واقعي مي‌شوند. به همين دليل خانواده براي بقاء خود وابسته به سطح و ساختار سرمايه اجتماعي اعضايش مي‌باشد. ميزان سرمايه‌اي كه خانواده به‌دست مي‌آورد براي حفظ يا تغيير روابط قدرت در ميدان كنش از اهميت زيادي برخوردار است. واضح است كه تمامي انواع خانواده‌ها براي تطابق با تعريف مسلط از هنجارمندي، ظرفيت يكساني ندارند (بورديو، ۱۳۸۱؛ ۱۸۸). برخي از ساختارهاي خانوادگي هنجارمندتر از ديگر ساختارها مي‌باشند. الگوهاي سازگار با نظام ارزشي جامعه به دليل افزايش ارتباطات با ديگر گروه‌ها، امكان انباشت سرمايه‌هاي اجتماعي و نمادين بيشتري دارند. از اين‌رو قدرت خانواده به‌عنوان يك سيستم اجتماعي در دفاع از اعضايش ارتقاء مي‌يابد.

از مجموعه اين تعاريف مي‌توان گفت كه «سرمايه اجتماعي ويژگي موجود در ساخت و سازمان اجتماعي است كه به واسطه آن كم و كيف كنش‌هاي متقابل درون يك جامعه سامان مي‌يابد.» بورديو شاخص‌هايي طراحي مي‌كند كه مفهوم تقريباً انتزاعي سرمايه اجتماعي به شكل عيني‌تري مورد سنجش قرار گيرد؛ بنابراين منطبق با دستگاه نظري او چهار نوع سرمايه در يك ميدان كنش تأثيرگذار عمل مي‌كنند: سرمايه اقتصادي، سرمايه فرهنگي، سرمايه اجتماعي و سرمايه سياسي

(ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۰؛ ۳۶). اجزاء سرمایه اجتماعی را هنجارمندی، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و مشارکت متقابل گروهی تشکیل می‌دهد (پورموسوی، ۱۳۸۱؛ ۱۵۹ - ۱۶۰).

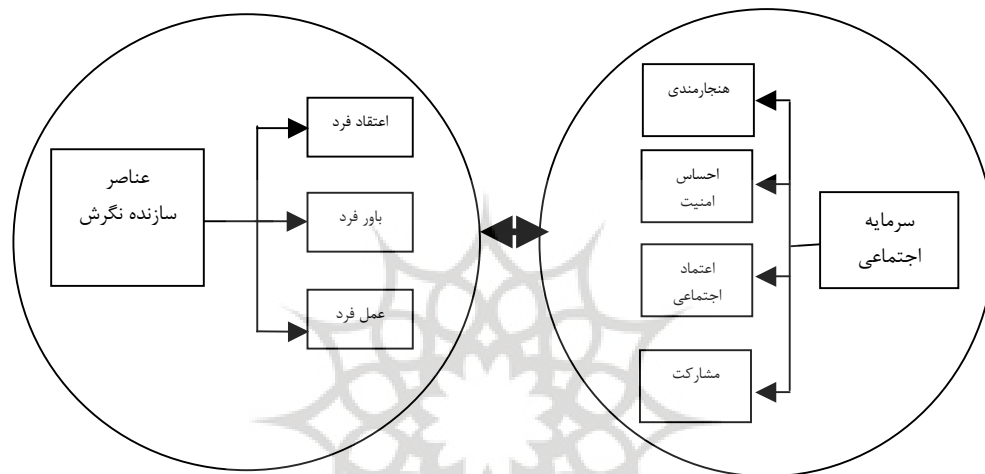
هنجارمندی: منظور الگوهایی است که از حیث حمایت اجتماعی، شأن و موقعیت، افتخار و دیگر پاداش‌ها تقویت می‌شوند (کلمن، ۱۳۸۴؛ ۶۴). زیرا افراد جامعه تمایل ندارند دیگر افراد غیرعادی را که امکان ناراستی و نابهنجاری در رفتارشان زیاد است را وارد گروه خود نمایند. مطالعه‌ای در خصوص کودکان خانواده‌های چندهمسر شهر زاهدان نشان می‌دهد که این افراد در مقایسه با کودکان خانواده‌های تک‌همسر در محیط مدرسه به لحاظ برقراری ارتباط اجتماعی با گروه همسالان و مربیان دچار مشکلات بسیار زیادی هستند (مجاهد و دیگران، ۱۳۸۲؛ ۶۱).

اعتماد اجتماعی: محور اصلی سرمایه اجتماعی، پاسخ به این سؤال است که آیا شما اعتمادی به افراد مختلف دارید؟ این افراد ممکن است همه کسانی باشند که در زندگی روزمره با آن‌ها در ارتباط هستید (تاج‌بخش، ۱۳۸۰). آیا همه اعضای جامعه برای پیوستن به یک اجتماع به یک اندازه مورد اطمینان هستند؟ به‌طور کلی می‌توان پیش‌بینی کرد، جایی که هزینه‌ها هم از نظر امنیت شخصی و هم از نظر زمان و تلاش به شدت بالاست، افراد اعتماد کمتری به مؤثر بودن اقدامات خود در آن محیط خواهند داشت. به این ترتیب می‌توان گفت که اگر تنها بتوان از اعتمادی که سرچشمه همکاری اجتماعی است، صیانت کرد و آن را فعال کرد می‌توان کیفیت نظم اجتماعی و کارایی استفاده از ابزار قدرت، پول و دانش را به شدت افزایش داد (اوفه، ۱۳۸۴؛ ۲۰۵). البدور و ویلیام^۵ در تحقیق خود میزان اعتماد میان اعضای خانواده‌های چندهمسری را در مقایسه با خانواده‌های تک‌همسر بسیار پایین می‌دانند. این عدم اعتماد، میان ناخواهری‌ها، نابرداری‌ها و هووها بیش از سایر اعضا می‌باشد (البدور و ویلیام، ۲۰۰۷).

احساس امنیت: شاخص امنیت با شاخص اعتماد نزدیکی بسیاری دارد تا آن‌جا که بسیاری، امنیت را از عوامل تشکیل‌دهنده اعتماد می‌دانند. در این پژوهش امنیت به‌عنوان بعدی مستقل و جدا بررسی شده است. احساس ایمنی داشتن و خودی محسوب نمودن دیگران از شاخص‌های سنجش میزان امنیت می‌باشد (تاج‌بخش، ۱۳۸۰). سارجنت و دنیس^۶ به بررسی میزان اعتماد فرانسوی‌ها نسبت به مهاجران آفریقایی چندهمسر پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد افزایش بیماری‌های مقاربتی نظیر HIV و STD در اعضای چنین خانواده‌هایی باعث کاهش اعتماد و امنیت اجتماعی نسبت به آنان شده است (سارجنت و دنیس، ۲۰۰۵).

مشارکت متقابل: در فرهنگ‌های مختلف لغات، واژه مشارکت با این معانی به‌کار رفته است: اشتراک مساعی، قدرت دادن، سهیم شدن، بسیج مردم، مسئولیت‌پذیری، واگذاری امور، خودگردانی، تقسیم کار، انسانی کردن، خودیاری، خوداتکایی و عدم تمرکز. به‌علاوه این مفهوم بیشتر در کنار واژه توسعه به‌کار رفته است و با ترکیب آن‌ها نگرش جدید توسعه مشارکتی رایج شده است (افاضلی،

۱۳۸۱). اندرسون و تولیسون^۷ در مقاله‌ای به مقایسه میزان رفتارهای مشارکت‌آمیز در اعضای خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر پرداخته‌اند. این دو محقق آمریکایی معتقدند علی‌رغم وجود تعداد زیاد اعضا در خانواده‌های چندهمسر کشمکش و تضاد میان فرزندان در خانواده‌های چندهمسری بیشتر دیده می‌شود. مهم‌ترین عامل ایجاد تنازع و برخوردهای خانوادگی توزیع ناعادلانه منابع مالی میان فرزندان گزارش شده است. زیرا امکان مشارکت متقابل در محیط‌های نابرابر و تنش‌زا بسیار پائین می‌باشد (اندرسون و تلستون، ۱۹۸۸).



روش

در این مطالعه جهت سنجش نگرش افراد نسبت به میزان سرمایه اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندزنی از شاخص‌های مطرح شده در نظریه بوردیو و جهت سنجش میزان فاصله اجتماعی از مقیاس بورگاردوس^۸ استفاده شده است. این متغیرها به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه همراه با مصاحبه انجام گرفته است. تکمیل هر پرسشنامه ۳۰ دقیقه به طول انجامید.

اعتبار و پایایی تحقیق: در این پژوهش از اعتبار محتوایی استفاده شده که در آن قضاوت متخصصان و صاحب‌نظران قابلیت اعتماد به گویه‌ها را مشخص می‌سازد. اندازه‌گیری پایایی تحقیق نیز از طریق آلفای کرونباخ انجام گرفته است.

شخص‌های سرمایه اجتماعی	آلفای بدست آمده
هنجارمندی	۰/۸۰۹۹
اعتماد متقابل	۰/۸۷۰۴
احساس امنیت	۰/۷۳۶۲
مشارکت گروهی	۰/۵۲۶۹

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

با توجه به جدول لین در سطح ۹۵٪ اطمینان و با فرض وجود ۵۰ درصدی پارامتر (سرمایه اجتماعی) از بین ۱۵۰ هزار خانواری که در سه منطقه شهر تهران ساکن بودند ۳۸۳ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. با در نظر گرفتن احتمال پرسشنامه‌های مخدوش، بی‌جواب و نمونه‌های غیرمعرف ۴۰۰ پرسشنامه در سطح سه منطقه شهر تهران توزیع شد که ۳۹۶ نسخه از آن‌ها به درستی تکمیل و مورد استفاده قرار گرفتند. هم‌چنین در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده استفاده گردید. ابتدا با توجه به نقشه‌های هوایی شهر تهران که در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی موجود بود کلیه بلوک‌های سه منطقه شهر در نظر گرفته شدند، سپس از بین همه بلوک‌ها، ۳۵ بلوک براساس توزیع جمعیت در آن‌ها انتخاب شد. در مرحله بعد در هر بلوک به صورت تصادفی (سه خانه در میان) ۱۲ خانه انتخاب و در صورت تمایل یکی از ساکنین منزل اعم از زن و مرد که بین ۲۱ - ۵۹ سال سن داشت، تکمیل پرسشنامه آغاز شد. در بخش آمار استنباطی نیز میزان فاصله اجتماعی مشارکت‌کنندگان برحسب متغیر جنسیت، سطح سواد و سن پاسخگو از طریق آزمون کای اسکور (X^2) محاسبه شد.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از آمار توصیفی: در جدول شماره (۱) میزان سرمایه اجتماعی گروه مورد بررسی براساس خرده‌مقیاس‌هایی هم‌چون: هنجارمندی، قابلیت اعتماد، احساس امنیت، میزان مشارکت متقابل و فاصله اجتماعی سنجیده شده است. اطلاعات به‌دست آمده جهت سنجش نگرش پاسخگویان نسبت به هنجارمندی ساختار خانواده چندزن نشان می‌دهد، ۷۸/۵ درصد از آنان چندهمسری را ساختاری ناپه‌نجان معرفی می‌نمایند. چنین مقداری نشان از پایین بودن میزان عمومیت و پذیرش اجتماعی دارد. بنابراین بدیهی است ۵۱/۷ درصد از پاسخگویان به راحتی فرزندان چنین خانواده‌هایی را پذیرا نباشند و ۶۷/۱ درصد از مشارکت‌کنندگان، فرزندان که در خانواده‌های چندزن جامعه‌پذیر شدند را متعهد به قراردادهای اجتماعی نمی‌بینند. در این میان، رقم جالب توجه

این است که ۳۷/۱ درصد از پاسخگویان حتی در شرایط اضطراری هم حاضر به پذیرش چنین ساختار خانوادگی نمی‌باشند. اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهد میزان پذیرش اعضای جامعه در خصوص هنجارمندی ساختار چندهمسری در سطح متوسط رو به پایین می‌باشد.

از دیگر خرده‌مقیاس‌های مورد نظر بوردیو جهت سنجش میزان سرمایه اجتماعی گروه‌های مختلف جامعه، اعتماد اجتماعی است. همان‌گونه که در جدول نشان داده شده است اعتماد اجتماعی نسبت فرزندان در خانواده‌های چندهمسر در سطح روابط رسمی و غیررسمی به‌طور جداگانه سنجیده شده است. اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهند اعتماد اجتماعی در روابط رسمی نظیر رأی آوردن در انتخابات کمتر متأثر از ساختار خاص خانوادگی می‌باشد. به طوری که ۳۵/۱ درصد از پاسخگویان مخالف رأی ندادن به افراد، به صرف عضویت در خانواده چندهمسری هستند. اما نگرش ۷۹/۲ درصد از پاسخگویان، به‌وجود اعتماد بین‌فردی نسبت به روابط غیررسمی با گروه مورد بررسی منفی ارزیابی شد.

احساس امنیت اعضای جامعه نسبت به فرزندان در خانواده‌های چندهمسری به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهایی که سرمایه اجتماعی را می‌سنجد در جدول نمایش داده شده است. بر این اساس اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهند ۷۲/۷ درصد از پاسخگویان معتقدند فرزندان فاقد امنیت روانی در خانواده‌های چندهمسری هستند و ۴۹/۴ درصد فقدان احساس امنیت مالی را در فرزندان خانواده‌های چندهمسری مطرح می‌کنند، ۶۵/۹ درصد احساس امنیت اجتماعی کودکان را در خانواده‌های تک‌همسر مطلوب‌تر می‌بینند. بنابراین همان‌گونه که مشخص شده است نگرش اعضای جامعه نسبت به احساس امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی فرزندان در خانواده‌های چندهمسری در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد.

اگرچه پاسخگویان در تحقیق حاضر، نسبت به مشارکت متقابل در روابط رسمی و غیرشخصی با فرزندان متعلق به خانواده‌های چندهمسر موضع‌گیری منفی نشان ندادند، به طوری که ۷۱/۷ درصد از مشارکت‌کنندگان اعلام نمودند حاضر به مشارکت کاری با یکی از اعضای خانواده چندهمسر می‌باشند. اما ۵۶/۸ درصد از آنان حاضر به مشارکت در روابط صمیمی و دوستانه با چنین گروهی نشدند. ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان معتقدند ترس از فاش شدن راز خانوادگی مانع از تمایل به ارتباط نزدیک میان فرزندان خانواده چندهمسری با اعضای جامعه می‌شود که خود می‌تواند نوعی نگرش منفی نسبت به چنین پدیده اجتماعی باشد.

در راستای پاسخگویی به فرضیات تحقیق، سنجش نگرش پاسخگویان در خصوص میزان فاصله اجتماعی که افراد جامعه در کنش‌های روزمره خود با فرزندان در خانواده‌های چندهمسری حفظ می‌کنند؛ از اهمیت اساسی برخوردار است. اطلاعات به‌دست آمده در خصوص این متغیر نشان می‌دهد که ۷۶ درصد از پاسخگویان حاضر به ازدواج که نشانگر صمیمانه‌ترین و نزدیک‌ترین روابط اجتماعی

با گروه مورد بررسی است، نمی‌باشند. هم‌چنین ۷۰/۴ درصد از آنان، ازدواج که گویای کمترین فاصله اجتماعی می‌باشد را به نزدیکان خود هم توصیه نمی‌کنند. ۶۴/۳ درصد حاضر به دوستی صمیمانه با فرزندان خانواده چندهمسری نمی‌باشند. ۷۵/۲ درصد از مشارکت‌کنندگان تحقیق، موافقت خود را با غیرقانونی اعلام شدن الگوی خانواده چندهمسری مطرح کردند. از آن‌جا که این گویه براساس مقیاس بوگاردوس نشان از بیشترین فاصله اجتماعی دارد؛ می‌توان تحقیقاً نشان داد که تمایل اعضای جامعه برای حفظ فاصله اجتماعی با گروه مورد بررسی بسیار زیاد می‌باشد.

جدول ۱: بررسی فاصله اجتماعی شهروندان تهرانی نسبت به فرزندان در خانواده‌های چندهمسر

بدون پاسخ	مخالف		بی‌نظر		موافق		خرده مقیاس	گویه	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱/۲	۵	۷۸/۵	۳۱۱	۸/۳	۳۳	۱۱/۸	۴۷	هنجارمندی	خانواده چندهمسری الگوی هنجارمندی محسوب می‌شود
۳/۵	۱۴	۳۴/۳	۱۳۶	۲۳/۲	۹۲	۳۸/۸	۱۵۴		شایسته‌ترین فرزندان در خانواده‌های تک‌همسری پرورش می‌یابند
۱/۵	۶	۵۱/۷	۲۰۵	۲۵	۹۹	۲۱/۷	۸۶		در جامعه ما فرزندان خانواده‌های چندهمسری به راحتی پذیرفته می‌شوند
۳/۷	۱۵	۳۷/۱	۱۴۷	۳۱	۱۲۳	۲۸	۱۱۱		از نظر من در شرایط اضطراری خانواده چندهمسری پذیرفتنی است
۲/۵	۱۰	۳۵/۱	۱۳۹	۳۸/۶	۱۵۳	۲۳/۷	۹۴		من به افرادی که در خانواده‌های چندهمسری بزرگ شده‌اند رأی نمی‌دهم
۰/۷	۳	۱۶/۹	۶۷	۳	۱۲	۷۹/۲	۳۱۴	اعتمادپذیری	فرزندان در خانواده‌های چندهمسر نسبت به پدر خود بی‌اعتمادند
۱/۰	۴	۳۳	۱۳۱	۱۲/۱	۴۸	۵۳/۷	۲۱۳		فرزندان خانواده‌های چند زن غیرقابل اعتماد می‌باشند
-	-	۳۰/۳	۱۲۰	۴۵/۴	۱۸۰	۲۴/۲	۹۶		فرزندان خانواده‌های تک‌همسر کمتر به انحراف کشیده می‌شوند
۰/۵	۲	۱۸/۹	۷۵	۲۱/۴	۸۵	۵۹	۲۳۴		فرزندان خانواده‌های چندهمسر صداقت و راستی را نیاموخته‌اند
۲/۲	۹	۳۲/۵	۱۲۹	۲۴/۴	۹۷	۴۰/۶	۱۶۱	امنیت اجتماعی	من در خانواده‌های چندهمسری احساس امنیت و ماندگاری ندارم
۰/۲	۱	۲۰	۸۳	۶	۲۴	۷۲/۷	۲۸۸		احساس امنیت فرزندان در خانواده‌های چندهمسر پایین است
۱/۲	۵	۲۵/۷	۱۰۲	۲۳/۴	۹۳	۴۹/۴	۱۹۶		فرزندان در خانواده‌های چندهمسر از توزیع نابرابر منابع مالی رنج می‌برند
-	-	۴/۲	۱۷	۱۹/۶	۷۸	۷۶	۳۰۱		فرزندان در خانواده‌های تک‌همسر احساس امنیت روانی بیشتری دارند

ادامه جدول ۱

۱/۷	۷	۶۵/۹	۲۶۱	۱۰/۸	۴۳	۲۱/۴	۸۵	کودکان در خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر به یک اندازه احساس امنیت اجتماعی دارند
۱/۵	۶	۳۶/۸	۱۴۶	۲۳/۹	۹۵	۳۷/۶	۱۴۹	مشارکت گروهی
۱	۴	۵۱/۲	۲۰۳	۱۷/۱	۶۸	۳۰/۵	۱۲۱	
۲/۲	۹	۴۱/۱	۱۶۳	۲۵/۵	۱۰۱	۳۱	۱۲۳	
۲/۲	۹	۸/۳	۳۳	۱۷/۶	۷۰	۷۱/۷	۲۸۴	
۱/۵	۶	۵۶/۸	۲۲۵	۱۴/۸	۵۹	۲۶/۷	۱۰۶	
-	-	۷۶	۳۰۱	۳/۵	۱۴	۲۰/۴	۸۱	
-	-	۷۰/۴	۲۷۹	۲۱/۹	۸۷	۷/۵	۳۰	فاصله اجتماعی
۰/۵	۲	۶۴/۳	۲۵۵	۸/۳	۳۳	۲۶/۷	۱۰۶	
۰/۲	۱	۳۹/۸	۱۵۸	۲۳/۹	۹۵	۳۵/۸	۱۴۲	
۲/۲	۹	۱۴/۶	۵۸	۷/۸	۳۱	۷۵/۲	۲۹۸	

جدول ۲: خلاصه یافته‌های مرتبط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی در گروه مورد بررسی

شاخص	دامنه تغییرات شاخص	میانگین شاخص	دامنه گرایش متوسط شاخص	میانگین پاسخگویان
اعتماد اجتماعی	۰-۴۰	۲۴	۲۰-۲۸	۱۹/۶۶
مشارکت متقابل	۰-۱۳۰	۷۸	۶۵-۹۱	۷۴/۷
هنجارمندی	۰-۷۰	۴۲	۳۵-۴۹	۴۰/۴۳
احساس امنیت	۰-۱۰	۶	۵-۷	۵/۵۲

یافته‌های حاصل از آمار استنباطی: نگرش پاسخگویان مورد بررسی در سه منطقه شهر تهران بر حسب برخی متغیرهای زمینه‌ای نظیر جنس، میزان تحصیلات، سن و منطقه مسکونی مورد تحلیل قرار گرفتند. سنجش نگرش عمومی اعضای جامعه نسبت به فرزندان خانواده‌های چندزنی بر حسب جنسیت پاسخگو نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان متغیر جنسیت و نگرش پاسخگو در خصوص

میزان فاصله اجتماعی که با گروه مورد بررسی حفظ می‌نمایند، وجود ندارد. از آن‌جا که مقدار به‌دست آمده از آزمون کای اسکور $13/84$ است؛ هم‌چنین مقدار X^2 کوچک‌تر از جدول است لذا فرض صفر مورد قبول قرار می‌گیرد. بنابراین افراد جامعه اعم از زن و مرد تمایل دارند فاصله اجتماعی زیادی با فرزندان خانواده‌های چندزنی حفظ نمایند. در خصوص منطقه مسکونی نیز نتیجه مشابه حاصل شد مقدار آزمون کای اسکور که $19/07$ به‌دست آمد، نشان می‌دهد پاسخگویان در هر سه منطقه مورد نظر فاصله اجتماعی یکسانی با فرزندان در خانواده‌های چندزنی حفظ می‌کنند. همین آزمون در ارتباط با متغیر سطح تحصیلات با مقدار $7/37$ معنا دار می‌باشد، به این معنا که فاصله اجتماعی مشارکت‌کنندگان با افزایش میزان سواد بیشتر می‌شود. به این ترتیب با 99% اطمینان می‌توان گفت که میان دو متغیر سطح تحصیلات و فاصله اجتماعی با گروه مورد مطالعه ارتباط مستقیم وجود دارد. سن پاسخگو یکی دیگر از متغیرهای موردنظر است. در این خصوص مقدار حاصل شده از آزمون کای اسکور $7/88$ محاسبه شده است. بنابراین می‌توان گفت افراد جوان تر فاصله اجتماعی بیشتری با فرزندان خانواده‌های چندزنی حفظ می‌کنند زیرا مقدار X^2 محاسبه شده بزرگتر از جدول است بنابراین فرض صفر رد می‌شود.

بحث

اطلاعات به‌دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد نگرش اعضای جامعه نسبت به چهار خرده‌مقیاسی که منطبق با نظریه پیر بوردیو قادر به اندازه‌گیری مفهوم سرمایه اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندهمسری می‌باشد، در سطح پایینی قرار دارد. به‌طوری که فرضیه اول این مقاله که عنوان می‌کند: «نگرش اعضای جامعه نسبت به سرمایه اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندزنی در سطح پایینی قرار دارد»، اثبات می‌شود. در جدول شماره ۳ میزان سرمایه اجتماعی برحسب هر یک از این خرده‌مقیاس‌ها به تفکیک، نمایش داده شده است. نتیجه این نگرش‌سنجی در راستای اثبات فرضیه اول تحقیق نشان می‌دهد، میزان پذیرش پاسخگویان نسبت به بهنجار بودن الگوی چندهمسری در جامعه و مشارکت متقابل با فرزندان در خانواده‌های چندهمسر در سطح متوسطی قرار دارد. در مورد احساس امنیت اعضای جامعه نسبت به وجود چنین ساختار خانوادگی در سطح متوسط رو به پایین به‌دست آمده. این در حالی است که میزان اعتماد اعضای جامعه به گروه مورد بررسی در سطح روابط نزدیک و دوستانه بسیار پایین ارزیابی شده است.

جدول ۳: بررسی سرمایه اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندهمسر

شاخص	بالا			متوسط			پایین		
	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین
اعتماد اجتماعی							■		
مشارکت متقابل					■				
هنجارمندی					■				
احساس امنیت						■			

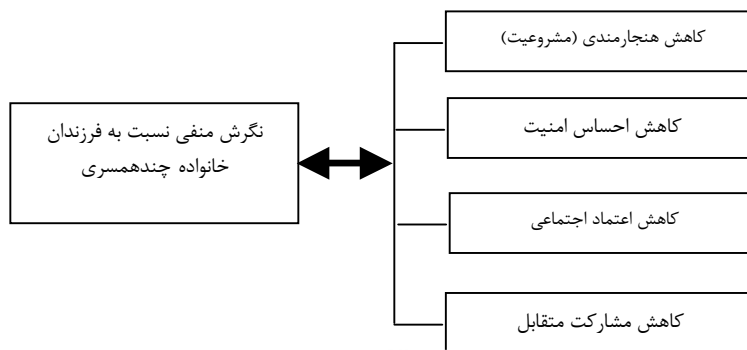
براساس یافته‌های به‌دست آمده، فرضیه دوم تحقیق که معتقد است: «اعضای جامعه، فاصله اجتماعی زیادی را با فرزندان در خانواده‌های چندزنی حفظ می‌کنند» نیز مورد اثبات واقع شد. زیرا تمایل مشارکت‌کنندگان به وجود فاصله زیاد در مناسبات اجتماعی با افرادی که به هر شکلی با خانواده چندهمسر ارتباط دارند، تأثیرات منفی در تقویت سرمایه اجتماعی این گروه دارد. از آنجا که وجود فاصله اجتماعی براساس آزمون کی‌دو بر حسب سن و میزان تحصیلات مشارکت‌کنندگان متفاوت به‌دست آمد؛ می‌توان نتیجه گرفت نسل جوان جامعه که از تحصیلات بالاتری برخوردارند و متأثر از جامعه جهانی و مدرن قرار گرفته‌اند موضع منفی‌تری نسبت به چندزنی و فرزندان پرورش‌یافته در چنین ساختار خانوادگی دارند. نظر به این که چندهمسری نزد مردان و زنان جوان مورد مطالعه به یک اندازه مردود و غیرقابل قبول عنوان شد، نتیجه تحقیق نشان می‌دهد تصویب لایحه حمایت از خانواده منافع هیچ یک از بخش‌های جامعه را تأمین نمی‌نماید. زیرا همان‌گونه که داده‌های تحقیق نشان می‌دهند فرزندان در خانواده‌های چندهمسر به دلیل وجود نگرش منفی اعضای جامعه نسبت به آن‌ها قادر به تقویت سرمایه‌های اجتماعی خود نیستند و افراد تمایل به حفظ فاصله اجتماعی زیادی در مناسبات خود با گروه مورد مطالعه دارند. در حقیقت نظام حقوقی با مطرح نمودن چندزنی در لایحه حمایت از خانواده به تولید بخشی حاشیه‌ای و مطرود که فاقد هر نوع سرمایه اجتماعی است، کمک می‌کند. از دیگر یافته‌های جالب توجه در این مورد آن است که اعضای جامعه در مورد ارتباطات نزدیک و صمیمانه با فرزندان پرورش‌یافته در ساختار چندزنی موضع منفی‌تری نشان دادند. بنابراین هر نوع ارتباط عاطفی نظیر پیوند زناشویی که نیازمند اعتماد بین فردی و مشارکت همدلانه در سطح بالا است در میان پاسخگویان به شدت مورد مخالفت واقع شد. مهم‌ترین پیامد چنین نگرش منفی نسبت به برخی گروه‌ها، مسئله طرد اجتماعی را سبب می‌شود.

در این قسمت بر ارتباط میان ادبیات نظری مقاله حاضر با نتایج تجربی به‌دست آمده تأکید می‌شود. همان‌طور که در مباحث نظری این مطالعه نشان داده شد، برداشت افراد از میزان سرمایه اجتماعی تأثیر متقابلی بر فاصله اجتماعی آنان در روابط متقابل‌شان دارد. بوردیو با مطرح نمودن این مفهوم و اهمیت آن در جامعه جدید سرمایه اجتماعی را در ردیف سرمایه اقتصادی قرار می‌دهد و وجود آن را

عامل رشد و ارتقاء فرد یا گروه‌های اجتماعی تعریف می‌کند. در این میان از نظر او خانواده نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی - به‌ویژه در جوامعی که اصناف و گروه‌های میانجی ضعیف عمل می‌کنند - دارد. این نظریه در شرایطی که خانواده چندزن از منظر ۷۸/۵٪ از اعضای جامعه ناهنجار تلقی می‌شود و ۷۲/۲٪ از آنان با غیرقانونی شدن چنین ساختاری موافقت دارند؛ عملاً تولیدکننده گروهی فاقد هر نوع سرمایه اجتماعی می‌باشد که مولد آسیب‌های جدی است. در این خصوص تحقیقات انجام گرفته توسط دیگران نتایج مشابهی در برداشته است. مقاله مجاهد و همکاران (۱۳۸۲) او با عنوان «وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چندهمسری» در شهر زاهدان نشان می‌دهد، سلامت روانی زنان و فرزندان در خانواده‌های چندهمسر بسیار پایین‌تر از خانواده‌های تک‌همسر می‌باشد. مطالعه محمدی (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی روابط خانوادگی در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر شهر زاهدان» نشان می‌دهد میزان کشمکش و برخوردهای خشونت‌بار در خانواده چندزن چندین برابر خانواده‌های معمولی است. هم‌چنین مقاله مطیع تحت عنوان «بررسی آسیب‌های اجتماعی فرزندان در خانواده‌های مادر سرپرست» نشان می‌دهد ساختار خانواده تأثیر زیادی بر افزایش آسیب‌های اجتماعی فرزندان دارد. این نتیجه به‌صورت مشابه در مقاله مقدس جعفری و محمدی (۱۳۸۵) مورد تأیید قرار گرفت. به‌طوری که انزوا، عدم پذیرش، فقدان مشارکت‌های گروهی و افزایش جرم و بزهکاری در ساختارهای خانوادگی ناهنجار در سطح بسیار بالا قرار دارد. نتیجه به‌دست آمده از مطالعه عارف‌نظری و مظاهری (۱۳۸۴) با عنوان «سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی در خانواده‌های چندهمسری و تک‌همسری» تا حدودی متفاوت از نتایج مقاله حاضر می‌باشد. براساس یافته‌های این مطالعه سبک دلبستگی برحسب ساختار خانواده تعریف نمی‌شود بلکه میزان دلبستگی میان زوجین با توجه به امکانات و منابع مادی در خانواده اعم از تک‌همسر و چندزن تعریف می‌شود و ارتباطی با شکل خانواده ندارد. در این مطالعه سرمایه‌های اقتصادی در ایجاد رضایت خاطر فرد مهم‌تر از سرمایه‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است که در تضاد با نتایج این مقاله قرار می‌گیرد، اگرچه با نظریه بوردیو هم‌نواپی دارد. زیرا او در نظریه خود برای سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی جایگاه ویژه‌ای تعریف می‌کند. مقاله البدور^۱ (۲۰۰۷) در منطقه نگاو نشان می‌دهد اعتماد بین شخصی در میان اعضای خانواده چندزن در سطح پایینی قرار دارد. او سوءظن، اضطراب و احساس ناامنی را از مهم‌ترین عوامل انزوای اجتماعی و روانی در چنین خانواده‌هایی تعریف می‌کند (البدور، ۲۰۰۷). در مقاله حاضر ضمن تأیید نتایج این مطالعه، مهم‌ترین علت ناکامی اعضای خانواده چندزن کاهش سرمایه اجتماعی معرفی می‌شود. در تحقیق دیگری که توسط سارجنت و دنیس انجام شده است به مطالعه علل اخراج مهاجران آفریقایی دارای چندزن از کشور فرانسه اشاره شده است. نتایج این تحقیق که در راستای اثبات یافته‌های این مقاله تدوین شده، نشان می‌دهد سطح

پایین بهداشت، افزایش باروری و بیماری‌های واگیردار از جمله مهم‌ترین عوامل نارضایتی شهروندان محلی از خانواده‌های چندزن در این منطقه می‌باشد که افزایش فاصله اجتماعی را ایجاد نموده است (دنیس، سازگت، ۲۰۰۳).

نمودار شماره ۱



نظر به آن چه در نمودار شماره ۱ ترسیم شده، به دلیل اهمیت سرمایه اجتماعی برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه پیشنهاد می‌شود تنظیم هر نوع لایحه‌ای جهت حمایت از خانواده با در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعه جدید و با آگاهی از پیامدهای اجتماعی آن، زیر نظر مراکز تخصصی و دانشگاهی انجام گیرد. زیرا انتظار افراد از نظام‌های حقوقی که به تدوین لایحه حمایت از خانواده پرداخته‌اند، تسهیل روابط زوجین است. اما این لایحه به دلیل عدم انطباق با موقعیت فرهنگی و اجتماعی فعلی جامعه ایران بر فقر سرمایه اجتماعی گروهی از افراد متعلق به چنین خانواده‌هایی می‌افزاید و آن‌ها را مبدل به افرادی ناهنجار، غیرقابل اعتماد و منزوی می‌کند که اعضای جامعه تمایل به حفظ فاصله اجتماعی زیادی با آن‌ها دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود، به منظور جلوگیری از آسیب دیدن نهاد خانواده به‌ویژه فرزندان در خانواده‌های چندهمسر در ماده ۲۳ این لایحه تجدید نظر شود.

یادداشت‌ها

1. George Murdock
2. Abusad and Elbedour
3. Francis Fukuyama
4. Jaimes Colmman
5. Elbedour And William
6. Sargent and Dennis

7. Anderson and Tollison

۸. طیف بوگاردوس مشهورترین مقیاس ترتیبی است که میزان محبوبیت یا وجهه یگ گروه خاص را با توجه به عوامل فرهنگ آن جامعه می‌سنجد. بوگاردوس با ارائه سنجه‌هایی با فاصله‌های نابرابر به سنجش جایگاه گروه‌های مختلف می‌پردازد (ساروخانی، ۱۳۷۴). گویه‌های این طیف به ترتیب عبارتند از: «حاضر به ازدواج با این گروه هستم» «حاضرم با آن‌ها یک دوستی صمیمانه داشته باشم» «حاضرم با این گروه در مجاورت و همسایگی قرار گیرم» «حاضرم با آن‌ها همکاری شوم» «ترجیح می‌دهم چنین پدیده‌ای به کل از جامعه حذف شود».

9. Elbedour

منابع

- افاضلی، س. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی ثروت نامرئی. نشریه فرهنگ و پژوهش، ۱۰۰، ۳۱-۲۶.
- افه، ک. (۱۳۸۴). چگونه می‌توان به افراد اعتماد داشت. در ک. تاجبخش (گردآورنده)، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و سرمایه (صص. ۲۳-۱۱). تهران: نشر شیرازه.
- ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری. نشریه مدیریت، ۲، ۴۵-۳۴.
- برنالد، ج. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده (ترجمه ح. قاضیان). تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۸).
- بورديو، پ. (۱۳۸۱). نظریه کنش (ترجمه م. مردیها). تهران: انتشارات نقش و نگار. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۷۵).
- پورموسی، س. ف. (۱۳۸۱). جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی. نشریه راهبرد، ۲۶، ۱۹۹-۱۵۹.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). شکل سرمایه‌های اجتماعی. در ک. تاجبخش (گردآورنده)، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و سرمایه (صص. ۶۱-۵۰). تهران: نشر شیرازه.
- روزن‌باوم، ه. (۱۳۶۷). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه (ترجمه م. ص. مهدوی). تهران: نشر دانشگاهی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۷).
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر شیرازه.
- سیف، س. (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، ۳، ۱۴.
- عارف‌نظری، م.، و مظاهری، م. ع. (۱۳۸۴). سبک‌های دل‌بستگی و شیوه همسرگزینی در خانواده‌های چندهمسری و تک‌همسری. فصلنامه خانواده‌پژوهی، (۴)، ۴۰۵-۳۹۳.
- فرید، م. ص. (۱۳۸۳). درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی. تهران: انتشارات پشتون.
- فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن (ترجمه غ. ع. توسلی). تهران: انتشارات جامعه ایرانیان. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۹).
- کلمن، ج. (۱۳۸۴). نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی. در ک. تاجبخش (گردآورنده)، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی سرمایه (صص. ۴۵-۳۳). تهران: نشر شیرازه.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی (ترجمه م. صبوری). تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۶).
- مجاهد، ع.، و بیرشک، ب. (۱۳۸۲). وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چندهمسری. مجله اندیشه و رفتار، ۹(۳)، ۶۷-۶۰.

- محمدی، ن. (۱۳۸۷). بررسی روابط خانوادگی در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر شهر زاهدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- مقدس جعفری، م. ح.، و محمدی، ن. (۱۳۸۵). بررسی مشکلات زنان در اداره خانواده‌های زن سرپرست. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی نقش زن در توسعه علوم و تمدن اسلامی (ص. ۵۴۸-۵۴۰)، دانشگاه اصفهان.
- ملاشرفی، ش.، و خشور، ح.، و سلیمی‌زاده، م. ک. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس جو خانواده برای خانواده‌های ایرانی ساکن تهران. فصلنامه پژوهش زنان، ۱(۳)، ۲۵۵-۲۳۹.
- مهدوی، م. ص.، و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. مجله مطالعات زنان، ۱(۲)، ۶۷-۲۷.
- موسوی، ر.، مرادی، ع.، و مهدوی‌هرسینی، س. ا. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری در بهبود عملکرد خانواده و تقویت رضایت زناشویی در خانواده‌های کودکان مبتلا به اضطراب جدایی. فصلنامه پژوهش زنان، ۱(۴)، ۶۸-۵۴.
- وحید، ف.، و نیازی، م. (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان. نامه علوم اجتماعی، ۲۳، ۱۴۵-۱۱۷.

- Anderson, M. G., & Tollison, D. R. (1998). Interests and prohibition of polygamy. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 37, 169-181.
- Coleman, J. S. (1988-9). Social capital in creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 2, 94-120.
- Elbedour, S. J., & Abusad, H. (2002). The Effect of polygamous marital structure on behavioral, emotional and academic adjustment in children. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 5(4), 225-271.
- Elbedour, S., Bart, W., & Joel, H. (2007). The relationship between monogamous/polygamous family structure and the mental health of Bedouin Arab adolescents. *Journal of Adolescence*, 30, 213-230.
- Fukuyama, F. (1999). *Social capital and civil sociology* [On-Line]. Available: www.ukzn.ac.za/undpil/collier/chomsky
- Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: Americans declining social capital. *Journal of Democracy*, 6, 388-402.
- Sargent, C., & Cordell, D. (2005). Polygamy, disrupted reproduction and the state: Malian migrants in Paris. *Social Science & Medicine*, 56, 961-972.